



نقشه راه ایمنو برای گذار به معدن ۵۰۰

صفحه ۴



جراحی ناترازی؛ اولویت نخست اقتصاد

صفحه ۲

شمارش معکوس برای پایانِ «علی‌الحساب‌بگیری» بازنشستگان

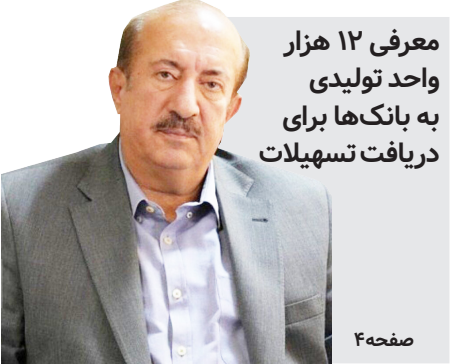
مسئله افزایش حقوق بازنشستگان سازمان تأمین‌اجتماعی در سال ۱۴۰۵، اکنون به یکی از کلیدی‌ترین و پرچالش‌ترین مباحث اجتماعی کشور تبدیل شده است. در حالی که ماه‌های فروردین و اردیبهشت سال جاری سپری شده‌اند، بیش از پنج میلیون و ۱۰۰ هزار بازنشسته و مستمری‌بگیر این سازمان، حقوق خود را بدون اعمال افزایش‌های قانونی و تنها بر مبنای احکام سال گذشته دریافت کرده‌اند. این وضعیت که سازمان تأمین‌اجتماعی آن را «پرداخت علی‌الحساب» نامیده...

صفحه ۳

تغییر مسیر انرژی؛ از بخش غیرمولد به پتروشیمی‌ها

امضای ۷۷ قرارداد با شرکت‌های کارور انرژی، گامی مهم برای بهینه‌سازی مصرف و هدایت انرژی به سمت صنایع مولد و ارزآور در شرایط جنگی است. به تازگی مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران از امضای ۷۷ قرارداد کارور انرژی در استان‌های مختلف کشور خبر داد و گفت: «این طرح فرصت مناسبی برای مدیریت مصرف انرژی است». با توجه به آسیب‌هایی که در اثر حملات محور آمریکایی-صهیونی به قسمتی از زیرساخت‌های انرژی کشور وارد شده است، این خبر می‌تواند نویدبخش عزم جدی کشور برای بهینه‌سازی مصرف انرژی و صرفه‌جویی باشد....

صفحه ۳



معرفی ۱۲ هزار واحد تولیدی به بانک‌ها برای دریافت تسهیلات

صفحه ۴



واکاوی «عصر اقتصاد» از تبعات اقتصادی بحرانی که با پیری جمعیت آغاز می‌شود

پیری شتابان، هشدار به ایران

صفحه ۳

ما به زندگی معمولی نیاز نداریم مگر خلافتش ثابت شود

راضیه حسینی - روزنامه نگار

می‌زنیم!
فکر می‌کنید اگر این دیدگاه در مورد سایر امکانات و نیازهای مردم به کار برده شود چه می‌شود؟
بنا به این نظریه هیچ‌کس احتیاج به خوردن مرغ و گوشت ندارد مگر این‌که خلافتش ثابت شود. کلی از مردم نخورده‌اند و نمرده‌اند، پس بی‌خودی غر می‌زنند، اگر کسی احتیاج دارد می‌تواند برود پیگیری کند، آزمایش بدهد، اگر جواب آزمایش نشان داد سوءتغذیه، آن هم به شکل حاد و در حد گرسنگان برخی کشورهای آفریقایی دارد، می‌تواند برود مجوز بگیرد و کمی گوشت بخورد!
یا هیچ‌کس نیاز به خوردن لبنیات ندارد مگر این‌که استحکام استخوان‌هایش در حد یک شیرینی نخودچی باید آمده باشد. اگر با همین الگو بخواهیم زندگی کنیم می‌توانیم بگوییم هیچ‌کدام از ما به خوابیدن نیاز نداریم مگر این‌که از شدت بی‌خوابی مجبور شویم چوب‌کبریت بین پلک‌مان بگذاریم. ما هیچ نیازی به تنفس هوای پاک نداریم، مگر این‌که عکس ریه‌های‌مان را با یک بسته زغال برای منقل اشتباه بگیرند.
ما به معمولی‌ترین امکانات زندگی، تا خلافتش ثابت نشود، هیچ نیازی نداریم. هرچند نمی‌دانیم خلاف یک زندگی معمولی یعنی چه، و تا کجا ثابت شود قبول است؟

فعلاً اینترنت بازگشایی نمی‌شود.
علی یزدی‌خواه، نماینده مجلس ضمن بیان اینکه اینترنت فعلاً بازگشایی نمی‌شود توضیح داده است که «با قطع اینترنت، کسب‌وکارهای مردم از جهت ارتباطات بانکی، خریدوفروش و بسیاری از سایت‌ها همچنان در حال خدمت‌رسانی هستند و مردم مشکل عمده‌ای ندارند» و ادامه داده است که آن دسته از افرادی که مسئولان احساس کرده‌اند نیاز به دسترسی به اینترنت بین‌الملل دارند این امتیاز را دریافت کرده‌اند.
آقای نماینده معتقد هستند که بیش از ۹۰ درصد نیازهای مردم در همین فضا برآورده می‌شود و اگر کسی مشکل دارد می‌تواند برود پیگیری کند!
اگر قدیم قانون این بود که امکاناتی، در حد یا حتی کمتر از حد معقول و معمول، برای مردم جامعه باید وجود داشته باشد و این موضوع ربطی به نیاز فرد یا گروهی ندارد، الان دیگر این‌طور نیست. در حال حاضر معادله تغییر پیدا کرده است. پیش‌ازاین مردم همگی حق داشتند به اینترنت جهانی متصل شوند، اما در حال حاضر هیچ‌کس حق ندارد، مگر خلافتش ثابت شود. هیچ‌کس احتیاج ندارد مگر این‌که با دلیل و مدرک مشخص کند که نیازمند ارتباط بین‌المللی است، وگرنه حق ندارد از اوضاع شاکی شود، چون به قول جناب نماینده بیش از نود درصد ما هیچ مشکلی نداریم و بی‌خودی غر

مدل شش‌مرحله‌ای توسعه فردی مدیران کسب‌وکار

دکتر حسین چناری - مدرس دانشگاه و مشاور امور آموزشی

یادگیری بدون عمل، بی‌ثمر است. توسعه فردی زمانی معنا پیدا می‌کند که مدیر آموخته‌ها را در عمل پیاده‌سازی کند و در بستر واقعی کار، تجربه ببیند. اجرای پروژه‌های نو، پذیرش مسئولیت‌های تازه، تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت، و تعامل مؤثر با ذی‌نفعان، بستری برای تبدیل دانش به مهارت عملی فراهم می‌کند.
در این مرحله، مدیر باید جسارت پذیرش مسئولیت و ریسک منطقی را داشته باشد و از تجربه به‌عنوان مهم‌ترین منبع یادگیری بهره گیرد. هر اقدام عملی، فرصتی برای تحلیل، بازخوردگیری و اصلاح است.
۵. دریافت بازخورد و اصلاح
هیچ توسعه‌ای بدون بازخورد مؤثر و تفکر نقادانه امکان‌پذیر نیست. دریافت بازخورد صادقانه از همکاران، زیردستان، مافوق و حتی مشتریان، به مدیر این امکان را می‌دهد که نقاط قوت خود را تقویت و کاستی‌ها را شناسایی کند. اما صرف دریافت بازخورد کافی نیست؛ مدیر باید قدرت تحلیل بازخوردها و بازتاب آن‌ها در رفتار و عملکرد خود را داشته باشد.
تفکر تأملی در این مرحله نقش کلیدی دارد؛ یعنی توقفی آگاهانه برای فکر کردن درباره تصمیمات، اقدامات، و پیامدهای آن‌ها به‌منظور یادگیری و اصلاح مسیر.

۶. ایجاد تعادل و پایداری
آخرین مرحله، اما از مهم‌ترین آن‌ها، حفظ تعادل و پایداری در مسیر رشد است. رشد فردی نباید به بهای فرسودگی روانی یا گسست در روابط خانوادگی تمام شود. مدیر باید بتواند بین زندگی شغلی و شخصی خود تعادل برقرار کند و از سلامت جسمی، روانی و اجتماعی خود محافظت نماید.
در این مرحله، مدیر به اصولی مانند مدیریت استرس، مراقبت از سلامت روان، تعیین مرزهای روشن بین کار و زندگی، ایجاد زمان برای بازسازی انرژی و حفظ انگیزه بلندمدت توجه می‌کند. توسعه‌یافته‌ترین مدیران کسانی هستند که در عین پیشرفت، آرامش، رضایت و پایداری درونی را حفظ کرده‌اند.

نتیجه‌گیری
توسعه فردی مدیران، یک مسیر خطی نیست؛ بلکه فرآیندی پویا، مستمر و چرخه‌ای است که نیازمند تعهد، خودشناسی، انگیزه درونی، یادگیری مداوم و اقدام عملی است. سازمان‌هایی که به توسعه مدیران خود توجه می‌کنند، عملاً در حال ساختن آینده‌ای پایدارتر، رقابتی‌تر و خلاق‌تر هستند.

این مدل شش‌مرحله‌ای، نقشه راهی روشن برای هر مدیری است که می‌خواهد از سطح عملکرد معمولی فراتر رود و به رهبری مؤثر، انسانی و تحول‌گرا تبدیل شود. در دنیای پرشتاب امروز، موفق‌ترین مشاوره رایگان با دکتر حسین چناری در ایما، بله و تماس مستقیم ۰۹۱۲۳۹۰۶۰۵۴

در عصر حاضر که تحولات فناورانه، تغییرات اجتماعی و رقابت جهانی سرعتی شگفت‌آور یافته است، دیگر نمی‌توان تنها با اتکا به تجربیات گذشته یا جایگاه‌های سازمانی، نقش یک مدیر کارآمد را ایفا کرد. سازمان‌هایی که در پی پیشرفت واقعی هستند، باید ابتدا بستر رشد مدیران خود را فراهم کنند. چرا که مدیران رشدنیافته، خود به عاملی برای رکود سازمان تبدیل می‌شوند.

«توسعه فردی مدیران کسب‌وکار» فرایندی استراتژیک است که از طریق آن مدیران به توانمندی‌های تازه، نگرش‌های پیشرو و ظرفیت‌های بالاتری برای حل مسئله، تصمیم‌گیری و مدیریت تغییر دست می‌یابند. این مقاله مدلی شش‌مرحله‌ای را ارائه می‌دهد که مدیران را از شناخت خود تا ایجاد پایداری و تعادل، به‌سوی تعالی حرفه‌ای هدایت می‌کند.

مدل شش‌مرحله‌ای توسعه فردی مدیران کسب‌وکار

۱. خودآگاهی

نخستین و بنیادی‌ترین گام در مسیر توسعه فردی، خودآگاهی است. بدون شناخت عمیق از خود، مدیر قادر به تصمیم‌گیری‌های دقیق، رهبری الهام‌بخش و مدیریت مؤثر نخواهد بود. خودآگاهی به معنای شناخت دقیق از ویژگی‌های شخصیتی، ارزش‌ها، باورها، انگیزه‌ها، نقاط قوت و محدودیت‌های فردی است.

در این مرحله، مدیر می‌آموزد که چگونه الگوهای رفتاری خود را تشخیص دهد، واکنش‌های احساسی خود را کنترل کند و از اثرات رفتارهایش بر دیگران آگاه شود. خودآگاهی همچنین زمینه‌ساز بهبود هوش هیجانی و رهبری تحول‌آفرین است.

۲. تعیین چشم‌انداز و اهداف فردی

مدیران موفق، مسیری مشخص برای رشد و آینده شغلی خود ترسیم می‌کنند. داشتن چشم‌انداز فردی به معنای تعیین اهداف شفاف و معنادار است که به رشد حرفه‌ای، رضایت شغلی و تعادل شخصی منتهی می‌شود.

در این مرحله، مدیر باید بتواند برای خود یک «برنامه توسعه فردی» تدوین کند که در آن اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت، منابع موردنیاز، مراحل پیشرفت و شاخص‌های ارزیابی مشخص باشد. اهداف باید قابل اندازه‌گیری، واقع‌بینانه، و هم‌راستا با اهداف سازمانی باشند. فقدان چشم‌انداز، موجب سردرگمی و کاهش انگیزه در مسیر حرفه‌ای می‌شود.

۳. یادگیری و ارتقاء مهارت‌ها

یادگیری مداوم، ستون فقرات توسعه فردی است. محیط‌های کاری امروزی نیازمند مدیرانی هستند که توانایی یادگیری، سازگاری با تغییر، و به‌روزرسانی مداوم دانش خود را داشته باشند. مهارت‌های موردنیاز برای یک مدیر صرفاً فنی یا تخصصی نیست؛ بلکه طیفی از توانایی‌ها مانند رهبری، تصمیم‌گیری، تفکر انتقادی، هوش هیجانی، ارتباط مؤثر، مذاکره و مدیریت زمان را شامل می‌شود.

در این مرحله، مدیر باید مسیر یادگیری خود را هوشمندانه طراحی کند؛ ترکیبی از آموزش رسمی، مطالعه فردی، مشارکت در پروژه‌های چالشی و بهره‌گیری از مربی‌گری یا کوچینگ حرفه‌ای.

۴. اقدام و تجربه‌ورزی

سازمان آگهی‌های روزنامه عصر اقتصاد

۰۹۱۲۳۹۰۶۰۵۴ — ۸۶۰۹۶۲۴۵

رایگان شدن مترو می‌تواند تهران را نجات دهد؟



رایگان شدن مترو و اتوبوس فقط حذف هزینه بلیت نیست؛ بلکه یک تغییر روانی عمیق در انتخاب‌های روزمره مردم است. این روزها در فضای مجازی و کوچه و خیابان، یک خبر داغ حسابی سر و صدا کرده: «مترو و اتوبوس رایگان می‌شوند.» قرار است یکشنبه جلسه سرنوشت‌سازی برگزار شود تا تکلیف این وعده مشخص شود. اما سوال اینجاست: چرا یک تصمیم به ظاهر ساده، تا این حد می‌تواند در رفتار جمعی مردم تغییر ایجاد کند؟ برای یافتن پاسخ، کافی است نگاهی به یک رفتار روزمره و پیش‌پاافتاده بیندازیم.

یک آزمایش روانشناسی ساده

تصور کنید وارد یک خیابان پر از فروشگاه می‌شوید. روبه‌روی شما دو مغازه وجود دارد. یکی در سنگین و کلاسیکی دارد که باید با هل دادن تمام‌قد آن را باز کنید. دیگری اما یک در برقی حساس با چشم الکترونیکی دارد که با نزدیک شدن شما، چون فرشی‌جادویی، آرام کنار می‌رود. کدام فروشگاه را انتخاب می‌کنید؟

تحقیقات نشان می‌دهد اکثر مردم، حتی بدون آنکه متوجه شوند، فروشگاه دوم را انتخاب می‌کنند. اینجا خبری از زور بازو یا قیمت ارزان‌تر نیست؛ موضوع «بار روانی» است. وقتی ذهن شما مجبور نباشد برای یک کار ساده مثل وارد شدن، انرژی فکری یا فیزیکی صرف کند، به طور غریزی آن مسیر را ترجیح می‌دهد. راحتی یک معجزه‌گر خاموش در تصمیم‌گیری‌های ماست.

از در فروشگاه تا دریچه گیت مترو حالا قیاس را درک کنید. در دنیای حمل‌ونقل عمومی، ایستادن صف‌های طولانی شارژ کردن کارت مترو و اتوبوس، در صف ماندن بابت خرید بلیط، و حتی زدن کارت روی دستگاه‌های گیت، دقیقاً همان هل دادن در سنگین است. شاید هرکدام چند ثانیه وقت بگیرد، اما همین ترمزهای کوچک، میلیون‌ها انسان را در طول روز خسته می‌کند و ترجیح می‌دهند سوار ماشین شخصی یا تاکسی اینترنتی شوند. حالا تصور کنید یکشنبه، این مانع برداشته شود. دیگر خبری از «کارت شما موجودی ندارد» یا «کارت ناخوانا» نیست. شما فقط می‌آیی و سوار می‌شوی. دقیقاً مثل آن در برقی. حتی اگر قبلاً هم بهای بلیت مترو در مقایسه با تاکسی ناچیز بود، این صفر شدن عدد، یک انگیزه روانی خیره‌کننده ایجاد می‌کند.

چرا رایگان بودن، سلاح مخفی نجات ترافیک است؟

ممکن است کسی بگوید: مگر کرایه مترو و اتوبوس الان گران است؟ چرا رایگان شدن اینقدر مهم است؟ پاسخ در همان «بار روانی صفر» نهفته است. وقتی سرویس رایگان باشد:

مقایسه با خودروی شخصی بی‌رحم می‌شود: راننده‌ای که هزینه بنزین، بیمه، استهلاک و پارکینگ را می‌دهد، در برابر صفر، دیگر هیچ توجیهی برای تحمل ترافیک سنگین ندارد.

تردید از بین می‌رود: بسیاری از مردم لحظه آخر منصرف می‌شوند. اما وقتی «رایگان» باشد، مغز دیگر معادله «ارزش در برابر هزینه» را انجام نمی‌دهد. فرمان «برو» صادر می‌شود.

نتیجه این تغییر ظاهرآ ساده اما عمیق روانی، چیست؟

حذف خودروهای تک‌نشین: روزانه هزاران ماشین که فقط یک سرنشین دارند، از خیابان‌ها حذف می‌شوند.

کمک به ترافیک شهری: هر اتوبوس پر از مسافر، به طور میانگین جان ۴۰ دستگاه خودرو را از ترافیک نجات می‌دهد.

مهم‌تر از همه، کاهش آلودگی هوا: در کلان‌شهری مثل تهران، هر درصد کاهش در تردد خودروهای شخصی، یعنی کاهش مستقیم ذرات معلق و گازهای سمی. ریه‌های میلیون‌ها نفر نفس راحت‌تری می‌کشند.

شاید در نگاه اول، رایگان شدن یک تصمیم اقتصادی به نظر برسد، اما تحلیل ما نشان می‌دهد که یک دهنده‌سی روانی و رفتاری است. همان کاری که فروشنده فروشگاه مجهز به در برقی با مشتری خود می‌کند، شورای ترافیک می‌خواهد با شهروندان انجام دهد که آن هم این است، حذف موانع کوچک برای تغییر یک رفتار بزرگ جمعی.

حالا باید دید جلسه یکشنبه چه تصمیمی می‌گیرد. اگر رای مثبت باشد، باید شاهد یکی از بزرگ‌ترین جابه‌جایی‌های سفرهای درون‌شهری از خیابان ها به ریل‌ها باشیم.

نتیجه، نه فقط کیفیت هوایی که تنفس می‌کنیم، بلکه سرعت جابجایی روزانه میلیون‌ها انسان را دگرگون خواهد کرد.

واکاوی «عصر اقتصاد» از تبعات اقتصادی بحرانی که با پیری جمعیت آغاز می‌شود

پیری شتابان، هشدار به ایران



ایران در حال تجربه یکی از حساس‌ترین دگردیسی‌های جمعیتی تاریخ خود است. پدیده‌ای که از آن با عنوان «گذار جمعیتی» یاد می‌شود، اکنون با شتابی نگران‌کننده به سمت سالمندی پیش می‌رود. بر اساس آمارهای موجود، اگر سن ۶۰ سال را آستانه سالمندی در نظر بگیریم، حدود ۱۲ درصد و با در نظر گرفتن سن ۶۵ سال، حدود ۷ درصد از جمعیت کشور در زمره سالمندان قرار دارند. آنچه این آمار را به یک «بحران خاموش» تبدیل می‌کند، سرعت غیرمنتظره این تغییر است. برخلاف کشورهای توسعه‌یافته که دهه‌ها فرصت داشتند تا زیرساخت‌های اقتصادی و اجتماعی خود را با پیر شدن جامعه تطبیق دهند، ایران در حال تجربه پدیده‌ای است که صاحب‌نظران از آن با عنوان «پیر شدن پیش از ثروتمند شدن» یاد می‌کنند. این گزارش تحلیلی عصراقتصاد، به بررسی ابعاد اقتصادی، اجتماعی و استراتژیک این پدیده می‌پردازد و واکاوی می‌کند که چگونه ساختار جمعیتی در حال تغییر، می‌تواند ایران را در دهه آینده با چالش‌های وجودی مواجه سازد.

چرا ایران به سرعت پیر می‌شود؟ دکترمحمد علی نژاد، جامعه شناس و استاد دانشگاه در مورد علت پیر شدن سرعت پیر شدن جمعیت ایران به عصراقتصاد گفت: کاهش نرخ باروری در دهه‌های اخیر، در کنار بهبود شاخص‌های امید به زندگی و بهداشت عمومی، باعث شده است که هرم جمعیتی ایران از یک ساختار پیر شدن سرعت پیر شدن جمعیت جوان به سمت استوانه‌ای شدن حرکت کند. کاهش تعداد مولود در کنار ورود نسل‌های متولد دهه‌های ۵۰ و ۶۰ به سنین میانسالی و کهنسالی، توازن جمعیتی را به هم زده است. این وضعیت یعنی «پنجره طلایی جمعیتی» (که در آن نسبت جمعیت فعال به عنوان جمعیت وابسته در بهترین حالت است) در حال بسته شدن است.

وی در ادامه افزود: از منظر جامعه‌شناختی، سیستم بازنشستگی در ایران تنها یک سازوکار مالی نیست، بلکه «قراردادی اجتماعی» است که بر ستون‌های «همبستگی بین‌نسلی» بنا شده است. این سیستم بر این فرض استوار است که نسل جوان‌تر، از طریق مشارکت اقتصادی، جتر حمایتی نسل پیشین را تأمین می‌کند. اما اکنون با ورود به فاز پیری شتابان جمعیت، ما شاهد گسست در این قرارداد هستیم.

وی در ادامه افزود: از منظر جامعه‌شناختی، سیستم بازنشستگی در ایران تنها یک سازوکار مالی نیست، بلکه «قراردادی اجتماعی» است که بر ستون‌های «همبستگی بین‌نسلی» بنا شده است. این سیستم بر این فرض استوار است که نسل جوان‌تر، از طریق مشارکت اقتصادی، جتر حمایتی نسل پیشین را تأمین می‌کند. اما اکنون با ورود به فاز پیری شتابان جمعیت، ما شاهد گسست در این قرارداد هستیم.

وی در ادامه افزود: از منظر جامعه‌شناختی، سیستم بازنشستگی در ایران تنها یک سازوکار مالی نیست، بلکه «قراردادی اجتماعی» است که بر ستون‌های «همبستگی بین‌نسلی» بنا شده است. این سیستم بر این فرض استوار است که نسل جوان‌تر، از طریق مشارکت اقتصادی، جتر حمایتی نسل پیشین را تأمین می‌کند. اما اکنون با ورود به فاز پیری شتابان جمعیت، ما شاهد گسست در این قرارداد هستیم.

وی در ادامه افزود: از منظر جامعه‌شناختی، سیستم بازنشستگی در ایران تنها یک سازوکار مالی نیست، بلکه «قراردادی اجتماعی» است که بر ستون‌های «همبستگی بین‌نسلی» بنا شده است. این سیستم بر این فرض استوار است که نسل جوان‌تر، از طریق مشارکت اقتصادی، جتر حمایتی نسل پیشین را تأمین می‌کند. اما اکنون با ورود به فاز پیری شتابان جمعیت، ما شاهد گسست در این قرارداد هستیم.

تغییر مسیر انرژی؛ از بخش غیرمولد به پتروشیمی‌ها

آی‌دا برخوردار

امضای ۷۷ قرارداد با شرکت‌های کارور

انرژی، گامی مهم برای بهینه‌سازی مصرف و هدایت انرژی به سمت صنایع مولد و ارزآور

در شرایط جنگی است.به تازگی مدیرعامل شرکت ملی گاز ایران از امضای ۷۷ قرارداد کارور انرژی در استان‌های مختلف کشور خبر داد و گفت: «این طرح فرصت مناسبی برای مدیریت مصرف انرژی است». با توجه به آسیب‌هایی که در اثر حملات محور آمریکایی- صهیونی به قسمتی از زیرساخت‌های انرژی کشور وارد شده است، این خبر می‌تواند نویدبخش عزم جدی کشور برای بهینه سازی مصرف انرژی و صرفه‌جویی باشد.

مشارکت مردم در صرفه‌جویی انرژی، مهمترین کمک برای کشور در شرایط جنگی است

به گزارش خبرنگار مهر، اصلاح الگوی مصرف، صرفه جویی در مصرف انرژی و امثال این مفاهیم بارها در بیلبرد کنار خیابان‌ها و یا در رسانه ها گفته شده است. فارغ از نقدهایی که به نحوه‌ی ترویج گفتمان لزوم صرفه‌جویی وارد است، در حال حاضر در کشور، از هر زمان دیگری بیشتر شنیده

ایران در حال تجربه یکی از حساس‌ترین دگردیسی‌های جمعیتی تاریخ خود است. پدیده‌ای که از آن با عنوان «گذار جمعیتی» یاد می‌شود، اکنون با شتابی نگران‌کننده به سمت سالمندی میل می‌کند، نسبت پشتیبانی (یعنی تعداد شاغلین به ازای هر بازنشسته) به‌شدت افت می‌کند. این یک بحران صرفاً عددی نیست؛ بلکه تنش میان دو نسل را رقم می‌زند. نسل جوان که خود درگیر نوسانات اقتصادی و تورم است، حالا باید فشار تأمین بخش بزرگی از بودجه صندوق‌های بازنشستگی را تحمل کند. این امر باعث بروز نوعی «خشم نهفته» و کاهش سرمایه اجتماعی می‌شود.

از سوی دیگر، وابستگی فزاینده‌ی صندوق‌ها به بودجه دولتی، دولت را در یک بن‌بست استراتژیک قرار می‌دهد. در اینجا شاهد «تسخیر منابع توسعه» هستیم؛ به این معنا که دولت برای جلوگیری از ناآرامی‌های اجتماعی و تأمین حداقلی جمعیت بازنشستگان، مجبور به بازتوزیع بودجه‌های عمرانی و زیرساختی به سمت هزینه‌های جاری بازنشستگی می‌شود. این یعنی قربانی کردن «آینده‌ی توسعه» برای حفظ «وضعیت موجود معیشتی». بنابراین نتیجه‌ی بلندمدت این فرآیند، نه تنها ناکارآمدی سیستم رفاهی، بلکه فرسایش حداقلی عمومی به نهادهای حاکمیتی است. شهروندان با دیدن ناکارآمدی صندوق‌ها، انگیزه‌شان برای مشارکت‌های بیمه‌ای و قانونی کاهش می‌یابد. در نهایت، پیری جمعیت در ایران، بستری را فراهم می‌کند که در آن، شکاف میان نسل‌ها از یک تفاوت نگرشی ساده، به یک منازعه‌ی بقا بر سر منابع محدود اقتصادی تبدیل می‌شود؛ وضعیتی که مدیریت آن نیازمند بازنگری بنیادین در قراردادهای اجتماعی است.

اقتصاد نقره‌ای تهدید یا فرصت؟ اگرچه سالمندی جمعیت به عنوان یک چالش شناخته می‌شود، اما در جهان مدرن، مفهومی به نام «اقتصاد نقره‌ای» نیز شکل گرفته است. این یعنی تقاضا برای خدمات سالمندان (مانند مراقبت‌های پزشکی، ابزارهای کمکی هوشمند، گردشگری ویژه سالمندان و خدمات رفاهی) افزایش می‌یابد.

در ایران، ما هنوز زیرساخت‌های این بازار را نداریم. برای جلوگیری از فروپاشی اجتماعی، باید از اکنون به سمت توسعه خدمات سالمندی حرکت کرد. این نه تنها می‌تواند باری از یک چالش شناخته می‌شود، اما در جهان مدرن، مفهومی به نام «اقتصاد نقره‌ای» نیز شکل گرفته است. این یعنی تقاضا برای خدمات سالمندان (مانند مراقبت‌های پزشکی، ابزارهای کمکی هوشمند، گردشگری ویژه سالمندان و خدمات رفاهی) افزایش می‌یابد.

در ایران، ما هنوز زیرساخت‌های این بازار را نداریم. برای جلوگیری از فروپاشی اجتماعی، باید از اکنون به سمت توسعه خدمات سالمندی حرکت کرد. این نه تنها می‌تواند باری از یک چالش شناخته می‌شود، اما در جهان مدرن، مفهومی به نام «اقتصاد نقره‌ای» نیز شکل گرفته است. این یعنی تقاضا برای خدمات سالمندان (مانند مراقبت‌های پزشکی، ابزارهای کمکی هوشمند، گردشگری ویژه سالمندان و خدمات رفاهی) افزایش می‌یابد.

در ایران، ما هنوز زیرساخت‌های این بازار را نداریم. برای جلوگیری از فروپاشی اجتماعی، باید از اکنون به سمت توسعه خدمات سالمندی حرکت کرد. این نه تنها می‌تواند باری از یک چالش شناخته می‌شود، اما در جهان مدرن، مفهومی به نام «اقتصاد نقره‌ای» نیز شکل گرفته است. این یعنی تقاضا برای خدمات سالمندان (مانند مراقبت‌های پزشکی، ابزارهای کمکی هوشمند، گردشگری ویژه سالمندان و خدمات رفاهی) افزایش می‌یابد.

تغییر مسیر انرژی؛ از بخش غیرمولد به پتروشیمی‌ها



به اهداف بزرگ دست یافت. امروز ضروری است برای مردم تبیین شود که لازمه عبور موفق از این شرایط، ایجاد تناسب میان داشته‌ها و خواسته‌هاست». در حال حاضر مشارکت مردم در کاهش مصرف حامل‌های انرژی کمک بسزایی می‌تواند در گذر از این بحران بکند. به دلیل شرایط جنگی و اتحادی که در اثر این جنگ بین احاد مردم اتفاق افتاده است، برای مثال ثبت نام بالای ۳۰ میلیون نفر در پویش جانفاد، انگیزه‌ی مضاعفی برای مشارکت در پوشش‌هایی از جمله صرفه‌جویی در مصرف حامل‌های انرژی

واکاوی «عصر اقتصاد» از تبعات اقتصادی بحرانی که با پیری جمعیت آغاز می‌شود

پیری شتابان، هشدار به ایران

آیا پنجره‌ی فرصت همچنان باز است؟

این استاددانشگاه در ادامه اذعان کرد: «ببینید، از من می‌پرسید آیا پنجره‌ی فرصت همچنان باز است؟ پاسخ من مثبت است، اما با یک هشدار جدی: ما در حال اتلاف وقت در «اتاق انتظار» هستیم و زمان به سرعت در حال از دست رفتن است. مدیریت این سونامی جمعیتی دیگر با راهکارهای کلیشه‌ای ممکن نیست؛ ما به «عملگرایی ساختاری» نیاز داریم. اصلاح نظام بازنشستگی که دیگر یک انتخاب نیست، یک ضرورت برای بقای امنیت اجتماعی است. در کنار آن، ما باید «اقتصاد نقره‌ای» را جدی بگیریم و سالمند را از یک متغیر منفعل، به کنشگری در چرخه اقتصاد و اجتماع تبدیل کنیم. همچنین، بازتعریف جایگاه سالمند در فضای عمومی، حلقه‌ی گمشده‌ای است که باید به آن برسیم.

پرسشی اصلی اینجاست: آیا ایران برای میزبانی از جامعه‌ای با میانگین سنی بالا، زیرساخت لازم را دارد؟ صادقانه بگویم؛ ما هنوز در مرحله‌ی توصیف صورت‌مسئله درجا می‌زنیم، نه حل آن. دهه‌ی آینده، آزمون بزرگ سیاست‌گذاری برای حاکمیت است. اگر از «حرف‌درمانی» فراتر نرویم، این پنجره برای همیشه بسته خواهد شد و ما با جامعه‌ای مواجه می‌شویم که زیر بار هزینه‌های دوران گذار، تاب‌آوری خود را از دست می‌دهد. زمان، دیگر به نفع ما حرکت نمی‌کند.»

نقشه راه عبور از بحران سالمندی

ایران در نقطه‌ی عطف تاریخی خود ایستاده است؛ جایی که گذار به سالمندی جمعیت، دیگر نه یک پیش‌بینی، بلکه یک واقعیت جاری است. بحران «پیر شدن پیش از ثروتمند شدن»، فشار سهمگینی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور وارد کرده که نماد بارز آن، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و تضعیف همبستگی بین‌نسلی است. آینده‌نگری نشان می‌دهد که اگر روند فعلی انفعال در سیاست‌گذاری ادامه یابد، کشور با نوعی «فروپاشی خاموش رفاهی» و افزایش گسست‌های اجتماعی روبه‌رو خواهد شد.اما مسیر خروج از این بن‌بست چیست؟ راهکار ناهایی، تغییر پارادایم از «مدیریت بحران جاری» به «سرمایه‌گذاری بر زیست سالمندی» است. این استراتژی بر سه پایه استوار است: نخست، اصلاحات ساختاری و ساختاری خلاصه شود. ما به بازتعریف فضای شهری و اجتماعی نیازمندیم تا سالمند به‌جای طرد شدن در حاشیه، همچنان بخشی از جریان فعال زندگی باشد.»

این جامعه‌شناس با تأکید بر ضرورت ایجاد «شبکه‌های حمایت اجتماعی مبتنی بر جامعه» (Community-based care)، هشدار داد: «اگر اقدام عاجلی صورت نگیرد، با طبقه جدیدی از سالمندان آسیب‌دیده مواجه خواهیم شد که هزینه‌های روانی آن، به‌مراتب از هزینه‌های مادی نگهداری از آن‌ها سنگین‌تر خواهد بود. زمان آن رسیده که با سیاست‌گذاری‌های دقیق، پیوندی‌های گسسته میان‌نسلی را پیش از فروپاشی کامل، بازسازی کنیم.»

این جامعه‌شناس با تأکید بر ضرورت ایجاد «شبکه‌های حمایت اجتماعی مبتنی بر جامعه» (Community-based care)، هشدار داد: «اگر اقدام عاجلی صورت نگیرد، با طبقه جدیدی از سالمندان آسیب‌دیده مواجه خواهیم شد که هزینه‌های روانی آن، به‌مراتب از هزینه‌های مادی نگهداری از آن‌ها سنگین‌تر خواهد بود. زمان آن رسیده که با سیاست‌گذاری‌های دقیق، پیوندی‌های گسسته میان‌نسلی را پیش از فروپاشی کامل، بازسازی کنیم.»

تغییر مسیر انرژی؛ از بخش غیرمولد به پتروشیمی‌ها

وجود دارد. برای مثال فقط با خاموش کردن لامپ‌های اضافی در منازل و یا سرویس کولرها قبل از شروع فصل گرما، می‌توان انرژی را به سمت صنایع مولد مثل پتروشیمی سوق داد و باعث ارزآوری برای کشور شد.

نهادینه شدن مصرف بهینه انرژی با رونق بازار صرفه‌جویی

جدای از شرایط فعلی و فرصت وجود آمده جهت مشارکت حداکثری در مدیریت مصرف حامل‌های انرژی، برای اینکه بتوان یک انگیزه‌ی دائمی در کشور برای صرفه‌جویی ایجاد کرد، باید اقتصاد صرفه‌جویی نیز رونق پیدا بکند. بازار صرفه‌جویی راهکاری است که پیش روی کشور است. سازوکار این بازار از طریق شرکت‌هایی است به نام شرکت‌های کارور انرژی یا شرکت‌های صرفه جویی انرژی. شرکت‌های کارور انرژی از طریق انجام اقداماتی از جمله تشویق برای کاهش مصرف و یا تعویض تجهیزات، از محل کاهش مصرف، گواهی‌هایی تحت عنوان گواهی‌های صرفه جویی دریافت می‌کنند و این گواهی‌ها را در بازار بورس انرژی به صنایع بزرگ دیگر که انرژی‌بر هستند از جمله پتروشیمی‌ها، می‌فروشند.

ایران در نقطه‌ی عطف تاریخی خود ایستاده است؛ جایی که گذار به سالمندی جمعیت، دیگر نه یک پیش‌بینی، بلکه یک واقعیت جاری است. بحران «پیر شدن پیش از ثروتمند شدن»، فشار سهمگینی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور وارد کرده که نماد بارز آن، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و تضعیف همبستگی بین‌نسلی است. آینده‌نگری نشان می‌دهد که اگر روند فعلی انفعال در سیاست‌گذاری ادامه یابد، کشور با نوعی «فروپاشی خاموش رفاهی» و افزایش گسست‌های اجتماعی روبه‌رو خواهد شد.اما مسیر خروج از این بن‌بست چیست؟ راهکار ناهایی، تغییر پارادایم از «مدیریت بحران جاری» به «سرمایه‌گذاری بر زیست سالمندی» است. این استراتژی بر سه پایه استوار است: نخست، اصلاحات ساختاری و ساختاری خلاصه شود. ما به بازتعریف فضای شهری و اجتماعی نیازمندیم تا سالمند به‌جای طرد شدن در حاشیه، همچنان بخشی از جریان فعال زندگی باشد.»

ایران در نقطه‌ی عطف تاریخی خود ایستاده است؛ جایی که گذار به سالمندی جمعیت، دیگر نه یک پیش‌بینی، بلکه یک واقعیت جاری است. بحران «پیر شدن پیش از ثروتمند شدن»، فشار سهمگینی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور وارد کرده که نماد بارز آن، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و تضعیف همبستگی بین‌نسلی است. آینده‌نگری نشان می‌دهد که اگر روند فعلی انفعال در سیاست‌گذاری ادامه یابد، کشور با نوعی «فروپاشی خاموش رفاهی» و افزایش گسست‌های اجتماعی روبه‌رو خواهد شد.اما مسیر خروج از این بن‌بست چیست؟ راهکار ناهایی، تغییر پارادایم از «مدیریت بحران جاری» به «سرمایه‌گذاری بر زیست سالمندی» است. این استراتژی بر سه پایه استوار است: نخست، اصلاحات ساختاری و ساختاری خلاصه شود. ما به بازتعریف فضای شهری و اجتماعی نیازمندیم تا سالمند به‌جای طرد شدن در حاشیه، همچنان بخشی از جریان فعال زندگی باشد.»

ایران در نقطه‌ی عطف تاریخی خود ایستاده است؛ جایی که گذار به سالمندی جمعیت، دیگر نه یک پیش‌بینی، بلکه یک واقعیت جاری است. بحران «پیر شدن پیش از ثروتمند شدن»، فشار سهمگینی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور وارد کرده که نماد بارز آن، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و تضعیف همبستگی بین‌نسلی است. آینده‌نگری نشان می‌دهد که اگر روند فعلی انفعال در سیاست‌گذاری ادامه یابد، کشور با نوعی «فروپاشی خاموش رفاهی» و افزایش گسست‌های اجتماعی روبه‌رو خواهد شد.اما مسیر خروج از این بن‌بست چیست؟ راهکار ناهایی، تغییر پارادایم از «مدیریت بحران جاری» به «سرمایه‌گذاری بر زیست سالمندی» است. این استراتژی بر سه پایه استوار است: نخست، اصلاحات ساختاری و ساختاری خلاصه شود. ما به بازتعریف فضای شهری و اجتماعی نیازمندیم تا سالمند به‌جای طرد شدن در حاشیه، همچنان بخشی از جریان فعال زندگی باشد.»

ایران در نقطه‌ی عطف تاریخی خود ایستاده است؛ جایی که گذار به سالمندی جمعیت، دیگر نه یک پیش‌بینی، بلکه یک واقعیت جاری است. بحران «پیر شدن پیش از ثروتمند شدن»، فشار سهمگینی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور وارد کرده که نماد بارز آن، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و تضعیف همبستگی بین‌نسلی است. آینده‌نگری نشان می‌دهد که اگر روند فعلی انفعال در سیاست‌گذاری ادامه یابد، کشور با نوعی «فروپاشی خاموش رفاهی» و افزایش گسست‌های اجتماعی روبه‌رو خواهد شد.اما مسیر خروج از این بن‌بست چیست؟ راهکار ناهایی، تغییر پارادایم از «مدیریت بحران جاری» به «سرمایه‌گذاری بر زیست سالمندی» است. این استراتژی بر سه پایه استوار است: نخست، اصلاحات ساختاری و ساختاری خلاصه شود. ما به بازتعریف فضای شهری و اجتماعی نیازمندیم تا سالمند به‌جای طرد شدن در حاشیه، همچنان بخشی از جریان فعال زندگی باشد.»

ایران در نقطه‌ی عطف تاریخی خود ایستاده است؛ جایی که گذار به سالمندی جمعیت، دیگر نه یک پیش‌بینی، بلکه یک واقعیت جاری است. بحران «پیر شدن پیش از ثروتمند شدن»، فشار سهمگینی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور وارد کرده که نماد بارز آن، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و تضعیف همبستگی بین‌نسلی است. آینده‌نگری نشان می‌دهد که اگر روند فعلی انفعال در سیاست‌گذاری ادامه یابد، کشور با نوعی «فروپاشی خاموش رفاهی» و افزایش گسست‌های اجتماعی روبه‌رو خواهد شد.اما مسیر خروج از این بن‌بست چیست؟ راهکار ناهایی، تغییر پارادایم از «مدیریت بحران جاری» به «سرمایه‌گذاری بر زیست سالمندی» است. این استراتژی بر سه پایه استوار است: نخست، اصلاحات ساختاری و ساختاری خلاصه شود. ما به بازتعریف فضای شهری و اجتماعی نیازمندیم تا سالمند به‌جای طرد شدن در حاشیه، همچنان بخشی از جریان فعال زندگی باشد.»

ایران در نقطه‌ی عطف تاریخی خود ایستاده است؛ جایی که گذار به سالمندی جمعیت، دیگر نه یک پیش‌بینی، بلکه یک واقعیت جاری است. بحران «پیر شدن پیش از ثروتمند شدن»، فشار سهمگینی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور وارد کرده که نماد بارز آن، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و تضعیف همبستگی بین‌نسلی است. آینده‌نگری نشان می‌دهد که اگر روند فعلی انفعال در سیاست‌گذاری ادامه یابد، کشور با نوعی «فروپاشی خاموش رفاهی» و افزایش گسست‌های اجتماعی روبه‌رو خواهد شد.اما مسیر خروج از این بن‌بست چیست؟ راهکار ناهایی، تغییر پارادایم از «مدیریت بحران جاری» به «سرمایه‌گذاری بر زیست سالمندی» است. این استراتژی بر سه پایه استوار است: نخست، اصلاحات ساختاری و ساختاری خلاصه شود. ما به بازتعریف فضای شهری و اجتماعی نیازمندیم تا سالمند به‌جای طرد شدن در حاشیه، همچنان بخشی از جریان فعال زندگی باشد.»

ایران در نقطه‌ی عطف تاریخی خود ایستاده است؛ جایی که گذار به سالمندی جمعیت، دیگر نه یک پیش‌بینی، بلکه یک واقعیت جاری است. بحران «پیر شدن پیش از ثروتمند شدن»، فشار سهمگینی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور وارد کرده که نماد بارز آن، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و تضعیف همبستگی بین‌نسلی است. آینده‌نگری نشان می‌دهد که اگر روند فعلی انفعال در سیاست‌گذاری ادامه یابد، کشور با نوعی «فروپاشی خاموش رفاهی» و افزایش گسست‌های اجتماعی روبه‌رو خواهد شد.اما مسیر خروج از این بن‌بست چیست؟ راهکار ناهایی، تغییر پارادایم از «مدیریت بحران جاری» به «سرمایه‌گذاری بر زیست سالمندی» است. این استراتژی بر سه پایه استوار است: نخست، اصلاحات ساختاری و ساختاری خلاصه شود. ما به بازتعریف فضای شهری و اجتماعی نیازمندیم تا سالمند به‌جای طرد شدن در حاشیه، همچنان بخشی از جریان فعال زندگی باشد.»

ایران در نقطه‌ی عطف تاریخی خود ایستاده است؛ جایی که گذار به سالمندی جمعیت، دیگر نه یک پیش‌بینی، بلکه یک واقعیت جاری است. بحران «پیر شدن پیش از ثروتمند شدن»، فشار سهمگینی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور وارد کرده که نماد بارز آن، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و تضعیف همبستگی بین‌نسلی است. آینده‌نگری نشان می‌دهد که اگر روند فعلی انفعال در سیاست‌گذاری ادامه یابد، کشور با نوعی «فروپاشی خاموش رفاهی» و افزایش گسست‌های اجتماعی روبه‌رو خواهد شد.اما مسیر خروج از این بن‌بست چیست؟ راهکار ناهایی، تغییر پارادایم از «مدیریت بحران جاری» به «سرمایه‌گذاری بر زیست سالمندی» است. این استراتژی بر سه پایه استوار است: نخست، اصلاحات ساختاری و ساختاری خلاصه شود. ما به بازتعریف فضای شهری و اجتماعی نیازمندیم تا سالمند به‌جای طرد شدن در حاشیه، همچنان بخشی از جریان فعال زندگی باشد.»

ایران در نقطه‌ی عطف تاریخی خود ایستاده است؛ جایی که گذار به سالمندی جمعیت، دیگر نه یک پیش‌بینی، بلکه یک واقعیت جاری است. بحران «پیر شدن پیش از ثروتمند شدن»، فشار سهمگینی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور وارد کرده که نماد بارز آن، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و تضعیف همبستگی بین‌نسلی است. آینده‌نگری نشان می‌دهد که اگر روند فعلی انفعال در سیاست‌گذاری ادامه یابد، کشور با نوعی «فروپاشی خاموش رفاهی» و افزایش گسست‌های اجتماعی روبه‌رو خواهد شد.اما مسیر خروج از این بن‌بست چیست؟ راهکار ناهایی، تغییر پارادایم از «مدیریت بحران جاری» به «سرمایه‌گذاری بر زیست سالمندی» است. این استراتژی بر سه پایه استوار است: نخست، اصلاحات ساختاری و ساختاری خلاصه شود. ما به بازتعریف فضای شهری و اجتماعی نیازمندیم تا سالمند به‌جای طرد شدن در حاشیه، همچنان بخشی از جریان فعال زندگی باشد.»

ایران در نقطه‌ی عطف تاریخی خود ایستاده است؛ جایی که گذار به سالمندی جمعیت، دیگر نه یک پیش‌بینی، بلکه یک واقعیت جاری است. بحران «پیر شدن پیش از ثروتمند شدن»، فشار سهمگینی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور وارد کرده که نماد بارز آن، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و تضعیف همبستگی بین‌نسلی است. آینده‌نگری نشان می‌دهد که اگر روند فعلی انفعال در سیاست‌گذاری ادامه یابد، کشور با نوعی «فروپاشی خاموش رفاهی» و افزایش گسست‌های اجتماعی روبه‌رو خواهد شد.اما مسیر خروج از این بن‌بست چیست؟ راهکار ناهایی، تغییر پارادایم از «مدیریت بحران جاری» به «سرمایه‌گذاری بر زیست سالمندی» است. این استراتژی بر سه پایه استوار است: نخست، اصلاحات ساختاری و ساختاری خلاصه شود. ما به بازتعریف فضای شهری و اجتماعی نیازمندیم تا سالمند به‌جای طرد شدن در حاشیه، همچنان بخشی از جریان فعال زندگی باشد.»

ایران در نقطه‌ی عطف تاریخی خود ایستاده است؛ جایی که گذار به سالمندی جمعیت، دیگر نه یک پیش‌بینی، بلکه یک واقعیت جاری است. بحران «پیر شدن پیش از ثروتمند شدن»، فشار سهمگینی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور وارد کرده که نماد بارز آن، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و تضعیف همبستگی بین‌نسلی است. آینده‌نگری نشان می‌دهد که اگر روند فعلی انفعال در سیاست‌گذاری ادامه یابد، کشور با نوعی «فروپاشی خاموش رفاهی» و افزایش گسست‌های اجتماعی روبه‌رو خواهد شد.اما مسیر خروج از این بن‌بست چیست؟ راهکار ناهایی، تغییر پارادایم از «مدیریت بحران جاری» به «سرمایه‌گذاری بر زیست سالمندی» است. این استراتژی بر سه پایه استوار است: نخست، اصلاحات ساختاری و ساختاری خلاصه شود. ما به بازتعریف فضای شهری و اجتماعی نیازمندیم تا سالمند به‌جای طرد شدن در حاشیه، همچنان بخشی از جریان فعال زندگی باشد.»

ایران در نقطه‌ی عطف تاریخی خود ایستاده است؛ جایی که گذار به سالمندی جمعیت، دیگر نه یک پیش‌بینی، بلکه یک واقعیت جاری است. بحران «پیر شدن پیش از ثروتمند شدن»، فشار سهمگینی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور وارد کرده که نماد بارز آن، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و تضعیف همبستگی بین‌نسلی است. آینده‌نگری نشان می‌دهد که اگر روند فعلی انفعال در سیاست‌گذاری ادامه یابد، کشور با نوعی «فروپاشی خاموش رفاهی» و افزایش گسست‌های اجتماعی روبه‌رو خواهد شد.اما مسیر خروج از این بن‌بست چیست؟ راهکار ناهایی، تغییر پارادایم از «مدیریت بحران جاری» به «سرمایه‌گذاری بر زیست سالمندی» است. این استراتژی بر سه پایه استوار است: نخست، اصلاحات ساختاری و ساختاری خلاصه شود. ما به بازتعریف فضای شهری و اجتماعی نیازمندیم تا سالمند به‌جای طرد شدن در حاشیه، همچنان بخشی از جریان فعال زندگی باشد.»

ایران در نقطه‌ی عطف تاریخی خود ایستاده است؛ جایی که گذار به سالمندی جمعیت، دیگر نه یک پیش‌بینی، بلکه یک واقعیت جاری است. بحران «پیر شدن پیش از ثروتمند شدن»، فشار سهمگینی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور وارد کرده که نماد بارز آن، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و تضعیف همبستگی بین‌نسلی است. آینده‌نگری نشان می‌دهد که اگر روند فعلی انفعال در سیاست‌گذاری ادامه یابد، کشور با نوعی «فروپاشی خاموش رفاهی» و افزایش گسست‌های اجتماعی روبه‌رو خواهد شد.اما مسیر خروج از این بن‌بست چیست؟ راهکار ناهایی، تغییر پارادایم از «مدیریت بحران جاری» به «سرمایه‌گذاری بر زیست سالمندی» است. این استراتژی بر سه پایه استوار است: نخست، اصلاحات ساختاری و ساختاری خلاصه شود. ما به بازتعریف فضای شهری و اجتماعی نیازمندیم تا سالمند به‌جای طرد شدن در حاشیه، همچنان بخشی از جریان فعال زندگی باشد.»

ایران در نقطه‌ی عطف تاریخی خود ایستاده است؛ جایی که گذار به سالمندی جمعیت، دیگر نه یک پیش‌بینی، بلکه یک واقعیت جاری است. بحران «پیر شدن پیش از ثروتمند شدن»، فشار سهمگینی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور وارد کرده که نماد بارز آن، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و تضعیف همبستگی بین‌نسلی است. آینده‌نگری نشان می‌دهد که اگر روند فعلی انفعال در سیاست‌گذاری ادامه یابد، کشور با نوعی «فروپاشی خاموش رفاهی» و افزایش گسست‌های اجتماعی روبه‌رو خواهد شد.اما مسیر خروج از این بن‌بست چیست؟ راهکار ناهایی، تغییر پارادایم از «مدیریت بحران جاری» به «سرمایه‌گذاری بر زیست سالمندی» است. این استراتژی بر سه پایه استوار است: نخست، اصلاحات ساختاری و ساختاری خلاصه شود. ما به بازتعریف فضای شهری و اجتماعی نیازمندیم تا سالمند به‌جای طرد شدن در حاشیه، همچنان بخشی از جریان فعال زندگی باشد.»

ایران در نقطه‌ی عطف تاریخی خود ایستاده است؛ جایی که گذار به سالمندی جمعیت، دیگر نه یک پیش‌بینی، بلکه یک واقعیت جاری است. بحران «پیر شدن پیش از ثروتمند شدن»، فشار سهمگینی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور وارد کرده که نماد بارز آن، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و تضعیف همبستگی بین‌نسلی است. آینده‌نگری نشان می‌دهد که اگر روند فعلی انفعال در سیاست‌گذاری ادامه یابد، کشور با نوعی «فروپاشی خاموش رفاهی» و افزایش گسست‌های اجتماعی روبه‌رو خواهد شد.اما مسیر خروج از این بن‌بست چیست؟ راهکار ناهایی، تغییر پارادایم از «مدیریت بحران جاری» به «سرمایه‌گذاری بر زیست سالمندی» است. این استراتژی بر سه پایه استوار است: نخست، اصلاحات ساختاری و ساختاری خلاصه شود. ما به بازتعریف فضای شهری و اجتماعی نیازمندیم تا سالمند به‌جای طرد شدن در حاشیه، همچنان بخشی از جریان فعال زندگی باشد.»

ایران در نقطه‌ی عطف تاریخی خود ایستاده است؛ جایی که گذار به سالمندی جمعیت، دیگر نه یک پیش‌بینی، بلکه یک واقعیت جاری است. بحران «پیر شدن پیش از ثروتمند شدن»، فشار سهمگینی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور وارد کرده که نماد بارز آن، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و تضعیف همبستگی بین‌نسلی است. آینده‌نگری نشان می‌دهد که اگر روند فعلی انفعال در سیاست‌گذاری ادامه یابد، کشور با نوعی «فروپاشی خاموش رفاهی» و افزایش گسست‌های اجتماعی روبه‌رو خواهد شد.اما مسیر خروج از این بن‌بست چیست؟ راهکار ناهایی، تغییر پارادایم از «مدیریت بحران جاری» به «سرمایه‌گذاری بر زیست سالمندی» است. این استراتژی بر سه پایه استوار است: نخست، اصلاحات ساختاری و ساختاری خلاصه شود. ما به بازتعریف فضای شهری و اجتماعی نیازمندیم تا سالمند به‌جای طرد شدن در حاشیه، همچنان بخشی از جریان فعال زندگی باشد.»

ایران در نقطه‌ی عطف تاریخی خود ایستاده است؛ جایی که گذار به سالمندی جمعیت، دیگر نه یک پیش‌بینی، بلکه یک واقعیت جاری است. بحران «پیر شدن پیش از ثروتمند شدن»، فشار سهمگینی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور وارد کرده که نماد بارز آن، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و تضعیف همبستگی بین‌نسلی است. آینده‌نگری نشان می‌دهد که اگر روند فعلی انفعال در سیاست‌گذاری ادامه یابد، کشور با نوعی «فروپاشی خاموش رفاهی» و افزایش گسست‌های اجتماعی روبه‌رو خواهد شد.اما مسیر خروج از این بن‌بست چیست؟ راهکار ناهایی، تغییر پارادایم از «مدیریت بحران جاری» به «سرمایه‌گذاری بر زیست سالمندی» است. این استراتژی بر سه پایه استوار است: نخست، اصلاحات ساختاری و ساختاری خلاصه شود. ما به بازتعریف فضای شهری و اجتماعی نیازمندیم تا سالمند به‌جای طرد شدن در حاشیه، همچنان بخشی از جریان فعال زندگی باشد.»

ایران در نقطه‌ی عطف تاریخی خود ایستاده است؛ جایی که گذار به سالمندی جمعیت، دیگر نه یک پیش‌بینی، بلکه یک واقعیت جاری است. بحران «پیر شدن پیش از ثروتمند شدن»، فشار سهمگینی بر ساختارهای اقتصادی و اجتماعی کشور وارد کرده که نماد بارز آن، ناترازی صندوق‌های بازنشستگی و تضعیف همبستگی بین‌نسلی است. آینده‌نگری نشان می‌دهد که اگر روند فعلی انفعال در سیاست‌گذاری ادامه یابد، کشور با نوعی «فروپاشی خاموش رفاهی» و افزایش گسست‌های اجتماعی روبه‌رو خواهد شد.اما مسیر خروج از این بن‌بست چیست؟ راهکار ناهایی، تغییر پارادایم از «مدیریت بحران جاری» به «سرمایه‌گذاری بر زیست سالمندی» است. این استراتژی بر سه پایه استوار است: نخست، اصلاحات ساختاری و ساختاری خلاصه شود. ما به بازتعریف فضای شهری و اجتماعی نیازمندیم تا سالمند به‌جای طرد شدن در حاشیه، همچنان بخشی از جریان فعال زندگی باشد.»

